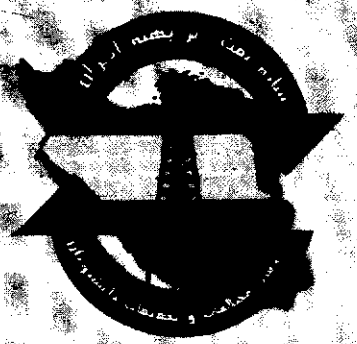


← گزارش



همایش سبایه نفت برپهنه ایران



شهرت گاو علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

OIL

زمان: ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۹

مکان: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

خیابان شهید بهشتی - نبش خیابان احمد قاصیر



در هر جامعه،
هویت تاریخی
بخش مهمی از هویت ملی
آن جامعه است و هر جامعه‌ای که
شجاعت و جسارت نگاه به
گذشته خود را داشته باشد،
می‌تواند با استفاده از
فرصتهایی که این نگاه
به وجود می‌آورد،
برای بهتر شدن خود بهره‌گیرد

زمان شکل گرفتند. قالبهای جدید حقوقی، نظیر مشارکت در تولید و قرارداد خدمت در این دوره شکل گرفت و قبل از آن تنها قالب امتیاز وجود داشت. در آن زمان (۱۹۳۳)، ایران اولین کشور تولیدکننده نفت در خاورمیانه بود و عراق که پنج سال بعد از ایران تولید نفت را آغاز نمود، دومین کشور تولیدکننده بود. نفت تولیدی ایران به صورت فرآورده صادر می‌شد و درآمد ایران از هر بشکه نفت ۱۷ سنت بود و میزان تولید نفت یک سال قبل از ملی شدن نفت، ۶۶۴ هزار بشکه در روز بود و درآمد کشور از هر بشکه در این دوره ۱۹ سنت در هر بشکه بود.

وی در ادامه افزود، قیمت نفت پس از امضای قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۹۵۴ کاهش یافت و تولید نفت در سه سال اول پس از قرارداد افزایش یافت و به سطح قبل از ملی شدن رسید. در سال ۱۹۶۰، ایران بر عراق پیشی گرفت و در ۱۹۶۷ بر کویت هم پیشی گرفت و از ۱۹۷۱ تا به حال به رتبه دوم از نظر تولید قناعت کرده است،

و با تکیه بر یافته‌های خود، نقشی مؤثرتر از پیشینیان در برخورد با آینده ایفا نماییم.

وی افزود، مسئله بسیار مهمی که امروز و فردای کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تغییراتی است که در شرایط بین‌المللی امنیت انرژی اتفاق افتاده است. برخلاف شوک نفتی سال ۱۹۷۳ که کشورهای صنعتی تلاش می‌نمودند تا از وابستگی به نفت خلیج فارس بکاهند، تحقیقات جدید نشان می‌دهد که طی ۳۰ تا ۵۰ سال آینده، وابستگی جهان به منابع نفتی خلیج فارس افزایش خواهد یافت. و تا ۵۰ سال آینده، ایران و خلیج فارس از مهمترین کانونهای استراتژی جهان خواهند بود، اما این گونه به نظر می‌رسد که ما همچنان از آثار و پیامدهای این امر غافلیم و صاحبزنان و سیاستگذاران کشور درگیر مسائل دیگری هستند. باید پرسید که در شرایط فعلی، تصمیم‌گیری در مورد نفت تا چه حد می‌تواند بخشی باشد و اینکه تا چه زمانی می‌خواهیم و می‌توانیم شاهد ضعف‌های بنیادین در نظام تولید اندیشه و مهارت در حوزه مسائل نفتی باشیم. نفت پیش از آنکه آثار مادی یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد، برای کشوری نظیر ایران که وابستگی شدیدی به تولید فروش نفت دارد، تبعات بسیاری خواهد داشت که نیازمند تلاشها و کوششهای فراوانی است تا در عرصه داخلی و بین‌المللی بتوانیم آن چنان که شایسته ماست، حرکت نماییم.

وضعیت نفت ایران در یک دوره حساس ۲۵ ساله

اولین سخنران روز اول این همایش، دکتر محمد علی موحد بود که عنوان مقاله وی «وضعیت نفت ایران از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷» بود. وی در سخنان خود اشاره کرد که این دوره، دوره‌ای است بسیار حساس که در مورد آن کمتر بحث شده است. در این دوره، سازمان اوپک تشکیل شد و اولین استفاده موفق از سلاح نفت هم در این دوره بوده است. همچنین مسئله انتقال تصمیم‌گیری در مورد قیمت نفت به کشورهای تولیدکننده در این دوره مطرح است که قبل از آن به دست شرکتهای نفتی بود. تا آن زمان، سهم کشور دارنده نفت از درآمد آن از سوی کمپانیها تعیین می‌شود، ولی از آن تاریخ، این دولتها بودند که مشخص می‌کردند که شرکتهای نفتی چه میزان حق برداشت از درآمد نفت را دارند. شرکتهای ملی نفت در این برهه از

حسین یادگاری*

به مناسبت پنجاهمین سال نقطه عطف تاریخ معاصر کشور - ملی شدن صنعت نفت - همایش و نمایشگاه «سایه نفت بر پهنه ایران»، توسط دفتر مطالعات و تحقیقات دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در اواخر سال گذشته برگزار شد. هدف از برپایی این همایش، پاسخ به این سؤال بود که چرا پس از گذشت صد سال از کشف نفت در ایران و پیوند تنگاتنگ آن با اقتصاد و سرنوشت کشور، هنوز بهره کافی از علوم مرتبط با آن کسب نکرده‌ایم؟ گزارشی که در ذیل می‌آید، خلاصه‌ای است از مقالات ارائه شده در این همایش. همچنین در این همایش در میزگرد تحت عنوان «آینده نفت» و «قراردادهای نفتی» برگزار شد، که اهم مطالب آن در ادامه همین گزارش از نظر تان می‌گذرد.

اثرگذاری نفت بر سرنوشت ایران

دکتر فرشاد مؤمنی در سخنرانی افتتاحیه اشاره کرد که در هر جامعه، هویت تاریخی بخش مهمی از هویت ملی آن جامعه است و هر جامعه‌ای که شجاعت و جسارت نگاه به گذشته خود را داشته باشد، می‌تواند با استفاده از فرصتهایی که این نگاه به وجود می‌آورد، برای بهتر شدن خود بهره‌گیرد. در کشور ما داوری‌های مختلفی در مورد مسئله ملی شدن صنعت نفت صورت گرفته است که تنوع آن‌ها ذره‌ای از ارزش مجاهدتهای بزرگان این کشور نمی‌کاهد. در یک قرن گذشته و به ویژه پنجاه سال آن، نفت سهمی فزاینده در اقتصاد ملی داشته است. شناخت سازوکارهای تأثیرگذاری نفت بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ، باعث می‌شود تا درک و شناخت عمیق‌تری از شرایط موجود جامعه داشته باشیم

* - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی



یکی از تضادهای ساختاری جامعه ما تضاد نفت است و یکی از بخشهای زیرمجموعه این تضاد، امنیت نفت است

جستجوی تعادلی است که وجود ندارد. شیوه دیگر این است که سعی می‌کند تا از فشار انحصارهای جهانی در بازار نفت و کارکرد اوپک نتیجه‌گیریهای لازم را به عمل آورد. این شیوه برخورد، به دو روش ملهم از تعادل نقش و نظریه بازپا و روش کارکرد سودجویانه و تعارض‌آمیز نیروهای اصلی بازار، تقسیم می‌شود. پیش‌بینی‌های مناقض در مورد آینده نفت، مانع از سیاستگذاری و برنامه‌ریزی موفق در کشورهای نفتی، از جمله ایران می‌شوند.

وی اشاره کرد که قیمت واقعی نفت براساس روند تورم جهانی بین ۳۵ تا ۷۵ دلار در هر بشکه می‌باشد. نامبرده همچنین تصریح کرد، که قراردادهای بیع متقابل در مورد فعالیت‌های خدماتی که دولت نظارت مستقیم بر آن‌ها داشته و در قیمت‌گذاری تأثیر می‌گذارد مناسب است، لیکن در مورد منابع زیرزمینی ستمگرانه و استثمار است.

رئیس دانا به عنوان نتیجه نهایی مقاله خود گفت، به جای استفاده از الگوهای پیش‌بینی انتظاری که جنبه انفعالی دارند، می‌توان از روش‌های تأثیرگذاری و حفظ منابع صادرکنندگان استفاده کرد و تا حد زیادی قیمت را ساخت.

اقتصاد رانتیر نفتی

دولت در اقتصاد رانتیر نفتی، عنوان مقاله جعفر خیرخواهان در این همایش بود که هفت محور زیر خلاصه می‌شود:

۱- رانت، رانت‌جویی و فساد ۲- الگوی پیشنهادی دولت رانتی که با استفاده از منابع درآمدی دولتهای معاصر توضیح داده می‌شود. ۳- مالیات و رابطه و پیوندی که بین دولت و مردم ایجاد می‌کند. ۴- دولت‌رانتیرو پیامدهای سیاسی آن. ۵- موانع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسعه که در دولتهای رانتیر ایجاد می‌شود و این دولتها را به دولت ضد توسعه تبدیل می‌کند. ۶- نظام بودجه‌ریزی در دولتهای رانتیر. ۷- چالشهای اساسی که دولتهای رانتیر در مقطع کنونی با آن‌ها مواجه هستند: بیکاری و ظهور طبقه متوسط جدید.

نامبرده بررسی خود با استناد به آمار و واقعتهای اقتصادی چهل سال اخیر ایران، جلوه‌ها و پیامدهای چنین اقتصادی را در ایران برشمرد.

به اعتقاد وی، عملکرد اقتصادی در کشورهایی که دارای منابع طبیعی غنی هستند، در مقایسه با کشورهای فاقد این منابع، نشان

می‌دهد که از رشد اقتصادی آهسته‌تری برخوردار بوده‌اند و مهمترین دلایلی که در ادبیات توسعه برای این امر ارائه شده است، عبارتند از: ۱- بیماری هلندی ۲- فعالیتهای رانت‌جویی ۳- تمایل به جهش بیش از اندازه.

اهمیت نقش دولت در اقتصاد رانتی از این واقعیت ناشی می‌شود که دولت، دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و در اقتصاد رانتی، طبقه‌بندی اجتماعی را رابطه گروههای مختلف با دولت تعیین می‌کند، نه روابط تولیدی. وی در پایان سخنان خود به تأثیر رانت نفتی بر اقتصاد اشاره کرد که این تأثیر عبارت است از، کاهش دخالت و تصدی‌گری دولت در فعالیتهای اقتصادی و رها کردن نقش توزیعی، گسترش نقش بخش خصوصی در مراکز قانونگذاری و مشارکت سیاسی رسمی از طریق انتخابات آزاد و خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی و...

جامعه مدنی و دولت نفتی

«رام کردن دولت سرکش: رابطه جامعه مدنی با دولت فراطبقاتی نفتی» عنوان سخنرانی کمال اطهاری بود. وی با اشاره به اینکه آغاز تحولات اجتماعی در ایران پیش از آغاز استخراج نفت بوده است، یادآور شد که انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۵ به پیروزی موقت دست یافت و نفت در سال ۱۹۰۸ استخراج شد و درآمد نفت نیز از سال ۱۹۱۳ با تأسیس پالایشگاه آبادان حاصل شد.

وی افزود، استقرار دولت مدرن در ایران از زمان رضاشاه آغاز شد و پس از آن در اوایل دهه ۱۹۲۰، درآمد نفت به منبع اصلی درآمد دولت تبدیل شد و بدین ترتیب بر رابطه حوزه سیاسی با حوزه مدنی و همچنین شکل‌گیری طبقات در ایران و رابطه دولت با طبقات تأثیر اساسی گذاشت، درآمد نفت از یک سو جایگاهی فراطبقاتی به دولت عطا کرد و تداوم دیکتاتوری را ممکن ساخت و از دیگر سو، قدرت اجرایی فرآیند مدرن شدن را در عرصه‌های تولید و مصرف در جامعه، بدون فرآیندهای لازم در حوزه مدنی به دولت بخشید.

اطهاری گفت، سابقه طرح امکان فراطبقاتی بودن دولت به همان مقطع طرح طبقاتی بودن در قرن نوزدهم در تحلیل دولت بناپارتی و بیسمارک در آلمان بازمی‌گردد. اما در ایران برای گریز از چنین تحلیلی، از یک سو این دولت، تکرار استبداد آسیایی و از سوی دیگر مزدور اجنبی شناخته شده است و بدین ترتیب امکان تحلیلی جامعه‌شناختی از رابطه دولت با جامعه مدنی در

دردهه ۱۹۶۰ تولید کمی بیش از یک میلیون بشکه بود و درآمد دولت ۸۵ سنت در هر بشکه بود.

وی در ادامه به بررسی وقایع سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ پرداخت و گفت، از ۱۹۷۱ تا حدود ۵ سال بعد، درآمد ایران جهش‌هایی داشت و بهای نفت سبک ایران از ۱/۸۱ سنت در ۶ ماهه آخر ۱۹۷۸ به ۱۲/۸۱ دلار در هر بشکه رسید، بیشترین میزان تولید در سال ۱۹۷۳ با ۶/۴۶ میلیون بشکه اتفاق افتاد و ظرفیت تولید ۸ میلیون بشکه بود. کل درآمد کشور در دوره ۱۹۷۳-۱۹۵۴، کمی بیش از ۱۶ میلیارد دلار و در دوره ۱۹۷۴-۱۹۷۸، بالغ بر ۱۰۸ میلیارد دلار بود.

آینده نفت

«پیش‌بینی انتظاری یا پیش‌بینی کنش‌گرانه» عنوان سخنرانی دکتر فریبرز رئیس دانا بود. به اعتقاد وی، یک تفکر رایج در مورد بازار جهانی نفت، تفکر و روش‌شناسی نوکلاسیکی است که به مباحث فشار عرضه و تقاضا بسنده می‌کند و برویایی و عدم تعادلها را درنمی‌یابد و مدام در



در ایران تمام انرژی صرف نگهداری سرمایه‌های خارجی شده است در صورتی که از سرمایه‌های داخلی غافل هستیم

قیمتهای نفت در آینده می‌شود، اجتناب نمایند. همچنین برای تقویت بازار نفت باید تصمیم‌گیری در امور نفتی، کاملاً در اختیار کشورهای تولیدکننده باقی بماند.

تعیین محدوده قیمت سبید نفتی اوپک از مهمترین دستاوردهای اجلاس ۱۰۹ اوپک بود، که اگر به عنوان یکی از قطعه‌نامه‌های این سازمان لازم‌الاجرا شود، نگاهها به سوی اوپک دوخته خواهد شد و مجدداً باعث می‌شود که این سازمان اقتدار دهه ۱۹۷۰ خود را بازابد.

نقش درآمدهای نفتی در فساد جامعه

«نگاهی جامعه‌شناختی به درآمدهای نفتی» عنوان مقاله دکتر پرویز پیران در این همایش بود. دکتر پیران در این مقاله سعی نموده بود تا با نگاهی جامعه‌شناختی و روانشناسی اجتماعی با این پدیده برخورد نماید و در واقع گفته بود که ایجاد حکومتی رانتیر که ادامه حکومت ایلغار گذشته است، چه تغییراتی در ساختار جامعه، گروه‌بندی‌های اجتماعی و بالاخره روانشناسی

بتواند ظرفیت تولید خود را به ۳۰ میلیون بشکه برسد. آیا تنها عربستان برای امنیت ما خطرناک است یا اینکه موارد دیگری نظیر ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس و مافیای قاچاق مواد مخدر در افغانستان و پاکستان و آیا توانایی مقابله با نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا را داریم؟

اصل امنیت مبتنی بر نظامی‌گری نمی‌باشد و پس از انقلاب جان بر کفی‌ها و ایثار مردم بود که کشور را حفظ کرد نه سلاح صرف. در ایران تمام انرژی صرف نگهداری سرمایه‌های خارجی شده است در صورتی که از سرمایه‌های داخلی غافل هستیم و نکته آخر اینکه، سیاست ایران در مورد نفت باید همانند نروژ باشد، یعنی اقتصاد صنعتی که نفت در آن به عنوان نیک کالای مکمل عمل می‌کند.

بازیابی اقتدار اوپک

«اوپک و تکرار اصل طلایی - توهم یا واقعیت؟» عنوان مقاله دکتر علی امامی میبیدی بود. به اعتقاد وی، سؤال اساسی مهم در مورد اوپک این است که این سازمان چگونه در برهه‌هایی از زمان بر بازار جهانی نفت تأثیرگذار بوده و باعث تعدیل قیمت‌ها شده است، اما در دوره‌هایی عملاً منفعل بوده و قدرتی نداشته است؟ عامل اقتدار اوپک چه بوده است؟ آیا دوران طلایی اوپک به پایان رسیده است و باید در حاشیه قدرت بماند، یا اینکه شرایطی برای بازگرداندن آن اقتدار وجود دارد؟

در این مقاله، عوامل ناکامی اوپک این گونه بیان شده است:

الف - عوامل سیاسی: جنگهای اول و دوم خلیج فارس، تحریمهای سازمان ملل و تحریمهای یک جانبه آمریکا.

ب - شرایط اقتصاد داخلی کشورهای عضو اوپک: عملکرد ضعیف در بازسازی نظام‌های اقتصادی و سیاسی داخلی، تمرکز شدید سیاسی و اقتصادی و ترس مزمن از عدم ثبات سیاسی.

ج - پیشرفت تکنولوژیکی: نرزه‌نگاری ۳ و ۴ بعدی، توسعه تکنولوژیهای مربوط به افزایش نرخ بازیافت و کاهش شدید هزینه‌های تولید.

دکتر امامی، نقش انتظارات را در نوسانات قیمت نفت‌خام بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت، انتظارات عامل عمده و اساسی در تغییرات رفتار عرضه و نهایتاً تغییرات رفتار واقعی قیمت نفت می‌باشد. کشورهای اوپک برای تثبیت قیمت در یک سطح مطلوب، باید از انتشار اخبار و تحلیلهایی که باعث به وجود آمدن انتظار سقوط

تاریخ معاصر ایران از بین رفته است. لذا جامعه مدنی نمی‌تواند شناخت لازم را از تحولات درونی خود داشته باشد و ابزار لازم را برای خدمتگذار کردن یک دولت فراطبقاتی به دست آورد.

امنیت و نفت

مهندس لطف‌الله... میثمی در این همایش، مقاله خود را با عنوان «امنیت و نفت» ارائه داد. به نظر وی، یکی از تضادهای ساختاری جامعه ما تضاد نفت است و یکی از بخشهای زیرمجموعه این تضاد، امنیت نفت است. همچنین از موارد زیر به عنوان ضرورت‌های استراتژیک امنیت و نفت نام برد:

۱- عدم اعتقاد برخی از مسئولان مبنی بر حرکت جمهوری اسلامی بر خلاف جهت نظم جهانی و توجیه ایشان بر اینکه برای حفظ امنیت باید با یکی از جناحهای غربی همکاری کرد تا امنیت ما را در قبال نفت تأمین کند.

۲- تلقی دولت مبنی بر اهمیت قرارداد توتال برای امنیت ایران از سوی فرانسه و نکته جالب اینکه قراردادهای توتال و کونوکو، ابتدا در شورای امنیت از نظر امنیتی بررسی شده و بعداً به دست کارشناسان نفتی سپرده شده است.

۳- استدلال آقای کاظم پور اردبیلی که شامل موارد ذیل است:

الف - تولید نفت عربستان در سال ۲۰۲۰ چهار برابر تولید نفت ایران خواهد بود.

ب - افزایش درآمد عربستان صرف خرید سلاح می‌شود و این مسئله توان نظامی عربستان را افزایش می‌دهد و خطری جدی برای امنیت ایران خواهد بود.

ج - برای مقابله با تهدید امنیتی عربستان ما نیز باید درآمد نفتی خود را افزایش دهیم.

د - تکنولوژی نفتی ما قدیمی است و باید ظرفیت مخازن را افزایش داده و اکتشافات جدیدی انجام دهیم

ه - باید هم سرمایه‌گذاری جدید انجام دهیم و هم تکنولوژی خود را بالا ببریم.

و - سرمایه و تکنولوژی مکمل هم هستند و باید عوامل انگیزش همراه سرمایه وجود داشته باشد و قراردادها به صورت مشارکت در تولید باشند.

وی در ادامه به نقد و بررسی موارد مذکور پرداخت و گفت، صحت ارقامی که دکتر اردبیلی اعلام نمود تا چه حد دقیق است، با شناختی که از عربستان داریم تا سال ۲۰۲۰ بعید است که



تعیین محدوده قیمت سبد نفتی اوپک از مهمترین دستاوردهای اجلاس ۱۰۹ اوپک بود، که اگر به عنوان یکی از قطعنامه‌های این سازمان لازم‌الاجرا شود، نگاهها به سوی اوپک دوخته خواهد شد و مجدداً باعث می‌شود که این سازمان اقتدار دهه ۱۹۷۰ خود را باز یابد

جمعی ایجاد می‌کند و چگونه دگرگونی‌های مورد اشاره نهادینه شده به عنوان فرآیندهای ضد توسعه عمل می‌نمایند. پیدایش بازار مصرفی گسترده، عادت به مصرف بدون تولید و ایجاد بخش دلالی بسیار فاسد، از جمله آثار این فرایند ضد توسعه هستند.

اما مهمتر آنکه، در چنین شرایطی ثروت‌های بادآورده که از طریق زد و بند به دست می‌آیند، این تلقی را در جامعه ایجاد می‌کند، که زندگی مرفه متکی به دلایل و شرایط منطقی نیست و لذا همه می‌توانند به آمال مادی خود برسند. اما شکی نیست که رفاه در شرایط غیر عقلانی جامعه تنها نصیب عده‌ای معدود می‌گردد، بنابراین شکاف جدی بین انتظارات و واقعیتها به نارضایتی گسترده و تعمیق فساد منجر می‌شود. وی در پایان، ضمن اشاره به جنبش اجتماعی قدرتمند ایران معاصر، کوشش نموده است تا رابطه آن را با فساد و تبعیض از یک سو و تحولات ساختار جامعه از سوی دیگر بررسی کند و ارتباط این دو را با درآمد نفت پیگیری کند.

گذار از کارآفرینی به افزون‌خواهی

در این همایش دکتر محسن زمانی، در مورد «نقش نفت در گذار از کارآفرینی به افزون‌خواهی در اقتصاد ایران»، سخنرانی نمود و یاد آورد شد که پنجاه سال پیش طنابی آویخته شد و پنجاه سال است که سرگردانیم آیا از این طناب بالا برویم یا پایین بیاییم. ظاهراً در ۵۰ سال گذشته، در استفاده سربالاگرایانه از نفت توفیقی نداشتیم، چرا نتوانستیم از این ابزار به درستی استفاده کنیم و آثار آن را هنوز هم مشاهده می‌کنیم. زمانی که دولت کمبود درآمد دارد، مستأصل است و زمانی که مازاد درآمد نفتی دارد، نمی‌داند که کشور را به کدام سو سوق دهد. نامبرده پاسخ را در سه محور بررسی می‌نماید: ۱- رفتار افراد و تأثیر نفت بر رفتار افراد، ۲- رفتار دولت و تأثیر نفت بر رفتار دولت و ۳- رفتار بنگاهها.

وی افزود، اگر رفتارهای تکانشی و عاداتی افراد را نادیده بگیریم، هر جامعه‌ای آکنده از دو نوع رفتار عقلایی است که در تعامل با یکدیگر می‌توانند به رشد اقتصادی منتهی شوند. عقل ابزار و عقل آیینی، دو سطح عقلانیت هستند که منشاء این دو نوع رفتار هستند.

در میان افراد عاقل هر جامعه، بسته به توانایی‌های ذاتی و اکتسابی هر فرد، عده‌ای نقش مدیریت آن جامعه را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دست می‌گیرند و در بین این مدیران، می‌توان کارآفرینان و مدیران مرسوم را متمایز نمود. کارآفرینان مدیرانی هستند که علاوه بر شرایط لازم برای مدیریت، هنرآفرین و خطرپذیر نیز هستند.

زمانی در پایان مقاله خود اشاره کرد، وجود یک دولت متناقض که به واسطه وجود درآمدهای نفت، وظایف توسعه‌ای، رفاهی و تصدی‌گری را به عهده گرفت، در حالی که هنوز وظایف حاکمیتی را به خوبی انجام نمی‌داد و توزیع نامناسب قدرت سیاسی نیز همراه بود، باعث شد تا توزیع درآمدهای نفتی میان بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر چانه‌زنی‌های سیاسی قرار گیرد. شواهد آماری نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تغییر ساختاری در توزیع رانت‌ها در سالهای اخیر به وجود نیامده است و انتظار می‌رود تا زمانی که توزیع درآمد تفت از طریق نظام دیوان‌سالار تحت سلطه چانه‌زنی‌های سیاسی انجام می‌پذیرد، همچنان افزون‌خواهی به جای کارآفرینی چهره عمومی مدیریت اقتصادی کشور را تشکیل دهد.

ضعف مدیریت در صنعت نفت کشور

سرنوشت تلخ مخازن نفتی ایران عنوان مقاله مشترک عبدا... جعفری و مهندس موسی بود. در این مقاله مطرح شد چه مرجعی مسئول ارائه واقعیات صنعت نفت کشور به ریاست محترم جمهوری است؟ بدون تردید صنعت نفت در ثبات، امنیت و اقتصاد کشور نقش مهمی دارد.

به اعتقاد آن‌ها، جایگاه ویژه صنعت نفت در کشور اقتضا می‌کند که تدوین و اجرای کلیه سیاستها بر مبنای اطلاعات صحیح، همراه با بحث‌های عمیق کارشناسی و توجه خاص کلیه دلسوزان کشور و با استفاده از کلیه تجارب مدیریتی کشور با نهایت دقت طراحی گردد و با استفاده از کارآمدترین نیروها به دور از درگیری‌های سیاسی به اجرا درآید. نکته‌ای که شایان توجه است و نگرانی آگاهان امر را به به دنبال داشته است، این است که واقعیت خلاف آن را نشان می‌دهد و اطلاعاتی که در مورد این بخش ارائه می‌شود، بالاخص بخش پایه‌ای و حساس بالادستی، مخدوش و ناصحیح ارائه می‌شود. لذا توجه خاص مسئولان ذی‌ربط به این نوع اطلاعاتی که نیاز به بررسی همه‌جانبه درد، در شرایط فعلی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

در مقاله حاضر به بخشی از این اطلاعات که توسط مراجع رسمی مطرح شده و نقد و بررسی آن‌ها قابل طرح در عرصه کارشناسی می‌باشد پرداخته شده و به عنوان یکی از مستندترین موارد، به مصاحبه ریاست محترم جمهوری در هفته دولت اشاره شده است. در ادامه مقاله گفته شده است، آقای خاتمی به عنوان یک شخصیت حقوقی، روشن‌کننده سیاستها و مسیر اجرایی آنهاست. این سیاستها براساس اطلاعاتی که توسط مراجع ذی‌ربط ارائه شده و توسط مراجع نهایی نظیر مشاور اقتصادی و امور نفت ریاست جمهوری مورد تأیید قرار گرفته‌اند، استوار است. نظرانی که توسط ریاست جمهور ارائه می‌گردد، تنها یک نظریه نیست، بلکه سیاست مورد تأیید دولت است که باید به اجرا درآید. لذا این امر وظیفه بسیار سنگین مشاوران و نهادهایی را که مسئول پالایش و تصحیح اطلاعات مراجع رسمی قبل از اعلام ریاست جمهور است، بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد. زیرا علاوه بر صدمات و خساراتی که خطا بودن سیاستگذاریها به دنبال خواهد داشت، هرگونه ضعف و خطا در این نظرات و اطلاعات متوجه ریاست محترم



تا چه زمانی

باید مردم تاوان سنگین

ضعف مدیریتهای ویژه

در بخشهای فنی را پردازند،

چرا باید پیش از

۲۰ مسئولیت کلیدی و حساس

وزارت نفت به دست کسانی بیافتد

که کمترین آشنایی و اطلاعاتی

از مبانی فنی و تخصصی و

علوم پایه‌ای مربوط به آن

را نداشته باشند

سابقه در صنعت نفت، متأسفانه هنوز در ایران رشته اقتصاد انرژی به شکل مدون و موفق در دانشگاه‌های کشور تدریس نمی‌شود و هنوز یک مؤسسه مطالعات انرژی ملی در کشور نداریم که بدون وابستگی به دولت، فقط در مقابل ملت مسئول باشد. بنده در مورد آینده صنعت نفت ایران هم خوشبین و هم ناامید هستم، زیرا اگر استراتژی مناسبی تدوین و مدیریت‌های صحیحی اعمال شود، افق روشن در پیش خواهیم داشت و در غیر این صورت، آینده‌ای بسیار تاریک خواهیم داشت و با این روند مصرف داخلی، در آینده نه تنها صادرکننده نفت نخواهیم بود، بلکه به جرگه واردکنندگان خواهیم پیوست.

مهندس نورالدین موسی دیگر شرکت‌کننده این میزگرد گفت، زمانی که هیچ نظارتی بر نحوه اجرای قراردادهای بیع متقابل که برای افزایش تولید منعقد شده است وجود ندارد، چگونه می‌توان به استمرار روند تولید امیدوار بود. وی با اشاره به این که پیش‌بینی دقیق ذخایر قابل

جهانی ارقامی بین ۱۰۳ تا ۱۱۰ میلیون بشکه در روز است که در مقایسه با میزان فعلی تا ۲۰ سال آینده، سالانه به طور متوسط ۱/۵ میلیون بشکه رشد تقاضا خواهیم داشت و از این میزان رشد، اوپک باید بیش از یک میلیون بشکه را پاسخگو باشد و تولیدکنندگان غیر اوپک، توان عرضه نیم میلیون بشکه را خواهند داشت که با اضافه شدن این ۲۰ میلیون بشکه به عرضه اوپک، اگر ایران بخواهد سهم ۱۴/۳ درصدی خود را در اوپک حفظ کند، باید برای افزایش تولید تلاش نماید.

دکتر غنیمی فرد در پاسخ به سؤال مزبور، با بررسی روند تولید نفت‌خام در ایران گفت، میزان تولید نفت در ایران سیری نزولی داشته است و میزان تولید قبل از انقلاب در اوج خود، یعنی ۵/۲ میلیون بشکه در روز بود. که در سالهای اول انقلاب براساس تصمیم مسئولان به نصف کاهش یافت و این روند مرتباً ادامه داشت و سهم ایران در بازار جهانی نفت توسط عربستان تصاحب شد. اما در حال حاضر، در برنامه پنج ساله سوم تصمیم گرفته شد که میزان تولید از ۴ میلیون به ۵ میلیون بشکه در روز برسد و اگر میزان افت تولید سالانه ذخایر در حال استحصال را بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در نظر بگیریم، در پایان برنامه سوم برای رسیدن به ظرفیت تولید ۵ میلیون بشکه، باید بیش از ۲ میلیون بشکه ظرفیت‌سازی شود.

دکتر درخشان پاسخ خود را با این سؤال که منافع حضور ایران در اوپک به عنوان سازمانی تشریفاتی که با بازار جهانی ناهماهنگ است، چیست؟ آغاز کرد و گفت، حفظ سهم تولید در اوپک به عنوان یک استراتژی غلط است. همچنین در مورد ذخایر قابل استحصال ایران گفت، رقم اعلام شده ۹۳ میلیارد بشکه، یک رقم غیر واقعی است و ذخایر قابل استحصال ایران بین ۴۵ تا ۵۰ میلیارد بشکه خواهد بود و در این وضعیت، افزایش تولید در صورتی امکان دارد که استراتژی مناسبی برای صنعت نفت تدوین و تنظیم شود و نیروهای متخصص برای ساختار مدیریت صنعت نفت کشور تربیت شوند. وی در ادامه افزود، اکنون برای حفظ ذخایر نفتی کشور، به این مخازن آب تزریق می‌شود که استراتژی غلطی است، زیرا این در حالی است که کشور از نظر مخازن گازی کاملاً غنی است و در صورت تزریق گاز به مخازن نفتی، میزان ذخایر قابل استحصال از ۴۵ میلیارد بشکه تا حدود ۷۰ میلیارد بشکه افزایش خواهد یافت. وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت، پس از ۷۰ سال

جمهوری خواهد بود.

آن‌ها در پایان مقاله خود به نقد قراردادهای بیع متقابل پرداخته شد و بیان کرده‌اند که این شیوه یک نوع استقراض غیر مستقیم به گرانترین و تحقیرآمیزترین شکل ممکن است، زیرا ظرفیتهای خارجی در مقابل برگشت سرمایه و سود آن هیچ مسئولیتی از نظر عملیاتی و اجرایی ندارند و تمام خطرات متوجه کشور است. از طرف دیگر، این شیوه به معنای آن است که کشور به صورت مستقیم قادر به دریافت وام نمی‌باشد و فاقد سازمان مهندسی برای اجرای پروژه توسعه مخازن کشور است.

تا چه زمانی باید مردم تاوان سنگین ضعف مدیریتهای ویژه در بخشهای فنی را پردازند، چرا باید بیش از ۲۰ مسئولیت کلیدی و حساس وزارت نفت به دست کسانی بیافتد که کمترین آشنایی و اطلاعاتی از مبانی فنی و تخصصی و علوم پایه‌ای مربوط به آن را نداشته باشند.

آینده بازار جهانی نفت و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

«آینده بازار جهانی نفت و تأثیر آن بر اقتصاد ایران» موضوع میزگرد روز اول همایش بود و مباحث آن، حول چند محور اصلی قرار داشت: ۱- آینده بازار جهانی نفت، حجم عرضه و تقاضایی که در قرن ۲۱ برای نفت و سایر سوختهای فسیلی می‌تواند وجود داشته باشد. ۲- جایگاه نفت در اقتصاد ایران، سهم نفت در تأمین نیازهای انرژی، میزان مصرف انرژی در داخل کشور و میزان تولید بالقوه و ممکن نفت با استفاده از تکنولوژیهای موجود چقدر است و بر این اساس شکاف عرضه در کشور چه خواهد بود. ۳- ابعاد سیاسی نفت بر پیگیری ملاحظات ژئوپلیتیکی که به طور کل پیرامون انرژی و نفت به ویژه در منطقه خاورمیانه در سالهای اخیر شدت پیدا کرده است و پیش‌بینی آن‌ها. ۴- بررسی مجموعه سیاستهای خارجی ایران و تأثیر آن بر بازار جهانی انرژی و اقتصاد ایران.

شرکت‌کنندگان این میزگرد عبارت بودند از آقایان دکتر مسعود درخشان، استاد دانشگاه لندن؛ دکتر حجت‌الله غنیمی فرد، مهندس حسین نورالدین موسی و دکتر کاظم پور اردبیلی.

کاظم پور اردبیلی در پاسخ به این سؤال که عرضه و تقاضای نفت را در قرن ۲۱ چگونه ارزیابی می‌کنید و سهم ایران و اوپک را در بازار جهانی نفت چگونه می‌بینید؟ گفت، پیش‌بینی‌های موجود در مورد میزان تقاضای



زمانی که هیچ نظارتی بر نحوه اجرای قراردادهای بیع متقابل که برای افزایش تولید منعقد شده است وجود ندارد، چگونه می توان به استمرار روند تولید امیدوار بود

استحصال ممکن نیست، گفت، برنامه ریزی تولید نفت را در اختیار شرکت های خارجی قرار می دهیم که این قراردادها و سرمایه گذاریها بر مبنای میزان نفت قابل استحصال است. ما که میزان دقیقی ذخایر را که نمی توانیم پیش بینی کنیم و هیچ تضمینی هم از طرف خارجی برای ادامه تولید گرفته نمی شود، در نتیجه این امر می تواند در آینده منجر به نابودی مخازن نفتی کشور باشد.

در ادامه میزگرد، کاظم پور اردبیلی به ایرادات وارده به استراتژی وزارت نفت پاسخ گفت و افزود، بنده سخنان آقای لطفاء... میثمی را که می گوید من استراتژیست صنعت نفت ایران هستم، تکذیب می کنم. استراتژی صنعت نفت برای افزایش تولید نفت براساس انعقاد قراردادهای بیع متقابل است که غلط یا درست مورد تأیید مجلس و دولت است و من تنها از آن دفاع می کنم. وی استدلال لطفاء... میثمی را مبنی بر اینکه ظرفیت سازی برای نفت به معنی اسلحه و سرکوب مردم است، نادرست

خواند و گفت، این به معنی زیر سؤال بردن نظام مردمی ایران است و اضافه کرد که بنده در جریان قراردادهای بیع متقابل نبوده، نیستم و نخواهم بود. ولی در مورد قرارداد کونکو که آقای میثمی اشاره کردند، قبل از اینکه توسط مجلس و شورای اقتصاد بررسی شود، توسط شورای عالی امنیت تصویب شد و کونکو در مناقصه ای که برگزار شد، اول شد و قرارداد آن منعقد شد و با فسخ آن توسط رئیس جمهور وقت آمریکا با شرکت توتال که در مناقصه دوم شده بود، منعقد شد و استدلالی که مبنی بر حفظ امنیت براساس انعقاد قراردادهای نفتی مطرح می شود، به معنی زیر سؤال بردن دولت آقای خاتمی به عنوان یک دست نشانده غرب است. نامبرده در مورد تلاش برای افزایش ظرفیت تولید گفت، در اقتصاد جهانی، افزایش توان تولید به معنای بالا بردن تولید نیست، بلکه به عنوان برآوردی جهت افزایش قدرت چانه زنی محسوب می شود. در حال حاضر نیز دولت و مجلس بر سر دو مسئله به عنوان استراتژی اثری کشور توافق نظر کامل دارند و این دو مسئله عبارتند از: ۱- افزایش ظرفیت های تولیدی و ۲- تبعیت از سهمیه بندی اوپک.

نگاهی به قراردادهای نفتی

موضوع میزگرد روز دوم همایش «قراردادهای نفتی» بود.

شرکت کنندگان این میزگرد، حسین کاظم پور اردبیلی، دکتر حجت‌الله غنیمی فرد، دکتر فرشاد مؤمنی، مهندس مواهبی و مهندس نورالدین موسی از کارشناسان صنعت نفت بودند.

این میزگرد با ادامه بحثی که آقای کاظم پور در میزگرد آینده نفت مطرح نمود، یعنی وجود استراتژی در عرصه اقتصاد ایران که در سطح ملی اتخاذ شده و انتخاب بیع متقابل به عنوان ابزار برای تحقق این استراتژی، آغاز شد و در ادامه آن به بررسی قراردادها پرداخت. سخنان اول این میزگرد، دکتر غنیمی فرد بود که در پاسخ به این سؤال که: اساساً این استراتژی بر مبنای چه منطقی انتخاب شده و چه مجموعه عوامل برای آن در نظر گرفته شده و متولیان انتخاب آن چه کسانی بوده اند و در کدام گفتگوی کارشناسی شکل گرفته و از میان چه استراتژی های بدیل دیگری انتخاب شده و چرا استراتژی های دیگر رد شده اند؟ گفت، صدور سرمایه و فعالیت هایی که مربوط به شرکت های

خارجی در کشورهای دیگر از جمله جهان سوم است، به قرن ۱۸ میلادی برمی گردد. وی نظرات مختلفی را که راجع به علل گسترش سرمایه گذاری خارجی مطرح شده، از جمله نظرات مارکس و لنین، بیان نمود و اشاره کرد که در دهه ۹۰، پس از فروپاشی شوروی، نظریات صدور سرمایه از شمول خاصی برخوردار شده است.

وی در ادامه افزود، بیع متقابل با تعاریف قانونی که دارد، به هیچ وجه سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت نیست و از طرف مجلس و دولت مجوز ۲/۵ یا ۲/۸ میلیارد دلار به صورت بیع متقابل برای میدان دشت آزادگان صادر شده است. نامبرده سپس به بررسی قراردادهای نفتی پرداخت و اشاره کرد که از لحاظ تقسیمات، قراردادها به دو گروه سیستم های امتیازی و سیستم های قراردادی یا غیر امتیازی تقسیم می شوند و قراردادهای امتیازی از سوی قانون اساسی برای تمام بخشهای خدماتی، صنعت و... منع شده است. سیستم های قراردادی غیر امتیازی نیز به قراردادهای مشارکت در تولید و قرارداد خدمت تقسیم می شوند. قرارداد خدمت نیز نوعی وام مشروط است که بازپرداخت آن با محصول انجام می شود و همان قرارداد بیع متقابل است. دکتر غنیمی فرد اشاره کرد که ما ابداع کننده قراردادهای خدمت نیستیم، بلکه در اواخر دهه ۱۹۶۰، این کار را ایران و اندونزی با هم شروع کردند و چیزی نیست که بعد از انقلاب با آن رسیده باشیم و تنها اسم آن را بیع متقابل گذاشتیم و علت آن این بود که پس از پایان جنگ تحمیلی، در اولین برنامه توسعه به صنعت سنگین کشور اجازه داده شد تا مواد اولیه، قطعات و ابزار مورد نیاز خود را برای اینکه بدهی ایجاد نشود، به صورت قرارداد خدمت از خارج وارد نمایند، یعنی به شرطی که طرف خارجی حاضر شود کالای ساخته شده را بخرد. بعد از اینکه این نوع قرارداد در صنعت نفت اجرا شد، به دلیل اینکه بازپرداخت قراردادها در صورت محصل بود، اسم آن را به صورت صوری بیع متقابل گذاشتیم و در قراردادهای جدید سعی شده است تا موارد دیگری نظیر تخمین غیرواقعی از طرف خارجی لحاظ شود، به این معنی که اگر تخمین به عمل آمده با واقعیت متفاوت بود، در مقابل کاهش تولید نسبت به میزان پیش بینی شده، به همان نسبت پرداخت طرف قرارداد کاهش می شود.

مهندس مواهبی در پاسخ به سخنان دکتر غنیمی فرد گفت: بیع متقابل استراتژی نیست، بلکه روشی است برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های نفتی و مفهوم آن با استراتژی متفاوت است. در ایران قراردادهای یک سیر تکاملی را طی کردند و قراردادهای جدید از سال ۵۳ تا ۷۴ وارد نفت شدند. بیع متقابل طبق روایتی که دکتر غنیمی فرد مطرح کردند، عملاً متناسب با آن چیزی که در اجرا و واقعیت قراردادهای بیع متقابل شکل گرفته‌اند، نیست. بلکه در بخش صنعت در قانون اول برنامه توسعه مطرح شد و در قانون برنامه دوم توسعه در تبصره ۲۲، مسئله بیع متقابل را نه برای نفت، بلکه برای کل صنعت تصویب کردند. وی همچنین بر این موضوع تأکید نمود که هیچ‌گاه در صنعت نفت برنامه‌ریزی سازمان یافته‌ای وجود نداشته است.

کاظم‌پور اردبیلی در پاسخ به سؤال میزگرد گفت، در ایران از دو دیدگاه به نفت نگاه می‌شود، عده‌ای آن را زمینه‌ساز توسعه می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را زمینه‌ساز مطامع بیگانگان و موجب رخوت و ناکارایی می‌دانند. وی همچنین به روند فعلی وزارت نفت اشاره کرد که به استناد بحث شورای انقلاب، کل درآمدهای نفت باید به خزانه واریز شود و شرکت نفت برای انجام طرحهای توسعه‌ای خود نباید از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، مشارکت در تولید و امتیازی و... استفاده بکند و طرحهای خود را باید به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برده و از آنجا تأمین اعتبار بگیرد. وی در ادامه، به اجزای قدرت ملی اشاره کرد و گفت، قدرت ملی یعنی تأمین اسلحه، یعنی ایثارگری، یعنی اقتصاد، فرهنگ، انرژی و... اما از زاویه انرژی، قدرت ملی ایران در حال کاهش است و در آینده نیز در صورت ادامه این سیاست به جهت رشد جمعیت و مصرف داخلی و کاهش صادرات، باز هم کاهش می‌یابد. لذا برای حفظ جایگاه جهانی و حفظ سهمیه در اوپک و حفظ قدرت ملی باید سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی نمود. در این مورد روشی که انتخاب شده است، بیع متقابل است که مورد تأیید مجلس و دولت نیز هست.

وی گفت، در اینجا بحث این است، اگر رابطه تولیدی ما با عربستان، عراق، کویت، یا اندونزی به هر دلیلی به ضرر ما در نقش آفرینی انرژی جهانی - که عامل تأمین

موازنه قدرت ملی است - می‌باشد، آیا ایران می‌خواهد سهم خودش را در انرژی جهانی و سهم صادرات خود را حفظ کند و رابطه معقولی با عربستان، عراق کویت و نفت خلیج فارس برای خود تعریف کند. اگر می‌خواهد این نقش آفرینی کجاست، در دولت به این نتیجه رسیدند که پاسخ این سؤال مثبت است و ما می‌خواهیم حداقل صادراتی برابر عراق داشته باشیم و فاصله ۵۰ درصدی خود را با عربستان حفظ نمایم و تلاش در جهت توسعه آن داریم. لذا این مسیر در شورای اقتصاد، هیأت وزیران، مجلس شورای اسلامی و شورای تشخیص مصلحت طی شد و تمامی آنها در صدر برنامه‌های انرژی خود، یعنی توسعه ظرفیت انرژی کشور (نفت و گاز)، قانونی را تصویب کردند. آقای کاظم‌پور علت طی این مسیر را، رشد اقتصاد جهانی و افزایش تقاضا برای نفت اوپک در آینده مطرح کرد و اضافه نمود که استراتژی ما، توسعه منابع گاز و جایگزینی گاز در سبد انرژی است، برای اینکه منابع سرمایه‌ای کمتری را در پالایشگاه‌ها صرف نمایم، از بیع متقابل به عنوان یک شیوه دفاع می‌کنم و در قانون نیز برای توسعه ظرفیت و احیای طرحهای توسعه‌ای، منحصراً از طریق روش مزبور اجازه داده شده است.

فرشاد مؤمنی در ادامه میزگرد، ضمن نقد نظرات مطرح شده گفت، بنده از دو جهت عرایض خود را باید با تأسف شروع کنم، اول آنکه مدیر جلسه سؤال مشخصی را مطرح کردند که بخش اعظم مطالبی که گفته شد، واقعا پاسخ به سؤال نبود و جهت دیگر قضیه این که، حرفهایی شنیده شد که بسیار شبیه به حرفهایی بود که ده سال پیش زده می‌شد، یعنی زمانی که رویه‌های حاکم، فرآیندهای تصمیم‌گیری خودش را طی می‌کرد و مخالفان و موافقان مطالبی را مطرح می‌کردند. در پیوست شماره ۲ بند برنامه به صراحت گفته شده است که شیوه‌هایی که ما در زمینه تأمین منابع مالی خارجی عمل کرده‌ایم، سه ویژگی مشخص داشته است که عبارتند از:

- ۱- بهایی که برای این تأمین مالی پرداخته شده بسیار سنگین است و از استانداردهای متعارف برای تأمین مالی فزاتر است،
- ۲- با تحمیل‌های بسیار شدیدی از سوی قراردادهای تأمین مالی همراه بود و
- ۳- به افزایش معنادار ظرفیت تولید در زمینه‌های مربوط منتهی نشده است. لذا در

مقطعی هستیم که به اعتبار این تجربه ده ساله، می‌خواهیم کمک نمایم که نظام ملی ما تا جایی که امکان دارد از تکرار این تجربیات برحذر بماند. وی افزود، نکته مهم دیگر اینکه، اساساً تأکید بر صادرات نفت خام به عنوان یک مبنای قدرت اقتصاد جهانی بی‌معناست و اهرم قدرت ملی محسوب نمی‌شود. دیگر اینکه، بحث ما در مورد قراردادهای نفتی بحث بر سر آنچه که نکند اتفاق بیافتد نیست، بلکه درباره یک مجموعه اتفاقات مشخصی صحبت می‌کنیم که در سند رسمی برنامه هم منعکس شده و براساس آن، آن گونه که در شأن یک نظام دانشگاهی است می‌خواهیم به سهم خود کمک نمایم که این تجربه تکرار نشود و فرآیندهای تصمیم‌گیری در مورد این مسئله استراتژیک، فرآیندهایی است که به صورت متعارف نشده است.

دکتر مؤمنی در ادامه افزود، مسئله دیگر این است که صادقانه و به طور شفاف، آن فرآیندهایی را که باعث شده‌اند تا نرخهای پاداش غیر متعارف‌تری بپردازیم و تحمیل‌های سنگین‌تری را هم متحمل شویم و در آخر افزایش معناداری هم در ظرفیتهای تولیدی به وجود نیاید، شناسایی بکنیم. و بالاخره اینکه، حساسیت قراردادهای بیع متقابل به حدی است که کویت با همه کویت بودنش، به این جمع‌بندی رسیده است که باید نظارت کامل مجلس در مورد تک‌تک قراردادها اعمال شود.

مهندس نورالدین موسی نیز ضمن نقد سخنان آقای مؤمنی و دکتر غنیمی فرد اشاره کرد، اساساً بیع متقابل قبل از گیرودارهای اقتصادی، اشکال فنی دارد و این قراردادها را با رأی اکثریت نمی‌توان تصویب کرد. دیگر اینکه، بدهکاری و دیوان براساس برنامه تولیدی است که طرف خارجی تعیین می‌کند و برنامه تولید براساس میزان ذخیره است، و میزان ذخیره یک کمیت پویاست که در طول زمان مشخص می‌شود و اشکال دیگر در مورد این قراردادها این است که، طرف خارجی هیچ تعهدی نسبت به استمرار تولید ندارد و ما نسبت به هر سنت سرمایه‌گذاری او تعهد داریم. چه تضمینی وجود دارد که طرف خارجی برنامه‌ای که برای ما طرح می‌کند، درازمدت باشد و نکته آخر اینکه بیع متقابل با تواناییهای ملی ما تعارض کامل دارد.

■